

## وظیفه حکومت در تأمین و صیانت از آزادی‌های فردی و اجتماعی

سیدجواد بلخی<sup>۱</sup>

### چکیده

تأمین و دفاع از آزادی‌ها وظیفه‌ای مشترک میان نهادهای سه گانه حکومت است. دربخش قانونگذاری مجلس باید قوانینی وضع کند که هم با اصول شرعی سازگار باشد. قوانین باید به گونه‌ای تدوین شوند که آزادی‌های اساسی را به رسمیت بشناسند و از آن‌ها در برابر تهدیدات محافظت کنند. قانون نباید ابزار سرکوب باشد، بلکه باید حافظ کرامت انسانی باش و هم عدالت اجتماعی و منافع عمومی را تأمین کند. در بخش اجرایی، ولیّ امر درهرم قدرت در اجرای احکام اسلامی نقش برجسته ای دارد و دولت برای کارآمدی، بوروکراسی‌ها را که سبب ناکارآمدی می گردد باید حذف کند. حکومت باید سه مرحله کلیدی را برای دفاع از آزادی‌های مشروع طراحی و عملیاتی کند: ۱- پیشگیری از آسیب‌ها. ۲- فرهنگ‌سازی. ۳- مانع‌زدایی. فرهنگ به عنوان تفکر جمعی جامعه، نقش تعیین‌کننده‌ای در تصمیم‌گیری‌های کلان دارد و دولت باید با ایجاد نهادهای فرهنگی، زمینه رشد آگاهی عمومی و نظارت اجتماعی را فراهم کند. در بخش مانع‌زدایی، با توجه به تحلیل مفاهیم قرآنی سه مانع اصلی در تحقق آزادی وجود دارد: ۱- ملأ: نماد اشرافیت و سوءاستفاده از قدرت اجتماعی. ۲- مترف: نماد ثروت‌پرستی و خوش‌گذرانی افراطی. ۳- طاغوت: نماد قدرت سیاسی فاسد و سلطه‌طلبی. در نتیجه، تحقق آزادی‌های مشروع در جامعه اسلامی که یکی از وظایف ذاتی حکومت است، نیازمند به فرهنگ‌سازی ارزشی، مشارکت نخبگان، نظارت اجتماعی و مقابله با ساختارهای انحصاری و سودمحور است تا انسان بتواند در مسیر الهی، استعدادهای خود را شکوفا کند و به کرامت واقعی دست یابد.

**کلید واژه:** آزادی، حکومت، قانونگذاری ملأ، مترف، طاغوت.

---

۱. دانشجویی دکتری فقه و حقوق قضایی (www.sjalbalkhi1352@gmail.com)

آزادی، یکی از بنیادی‌ترین ارزش‌های انسانی است که در طول تاریخ، جوامع بشری برای دستیابی و حفظ آن مبارزه کرده‌اند. آزادی‌های فردی و اجتماعی نه تنها شاخصی برای سنجش سلامت یک نظام سیاسی‌اند، بلکه بستر شکوفایی استعدادها، رشد فرهنگی و توسعه پایدار را فراهم می‌کنند. در این میان، حکومت‌ها نقش بی‌بدیلی در تضمین و حفاظت از این آزادی‌ها دارند. در دیدگاه اسلامی حکومت (نظام مسلط بر جامعه) نهاد مسئولی است که می‌تواند با وضع و اجرای قوانین مناسب سبب جلوگیری از شیوع و نفوذ موانع تکامل جامعه شده و زمینه رشد همه جانبه را فراهم کند، در باره قلمرو اختیارات حکومت اسلامی در میان فقهای معاصرو دیدگاه عمده وجود دارد: ۱- براساس یک دیدگاه قلمرو و گستره الزامات حکومتی در چارچوب ضوابط و مقررات شرعی خلاصه می‌شود. زیرا که هدف حکومت اسلامی اجرای حدود و احکام اسلام و اداره شئون مسلمانان بر اساس ضوابط و قوانین عادلانه اسلام است، چرا که اسلام، دین جامع و گسترده‌ای است که تمام احتیاجات فردی و خانوادگی و اجتماعی بشر را در مراحل مختلف زندگی در برداشته و خیر و سعادت وی را در دنیا و آخرت پیش‌بینی کرده است. ۲- بر اساس دیدگاه دیگر قلمرو الزامات حکومتی محدود به چارچوب ضوابط شرعی نیست و حکومت اسلامی در صورت صلاحدید خارج از چارچوب احکام شرعی نیز می‌تواند حکم صادر نماید. بنابر این دیدگاه به تناسب وظیفه حکومت در اجرای احکام شرع و اداره امور جامعه، برخی از الزامات حکومت در چارچوب ضوابط شرعی و برخی نیز در راستای اداره امور جامعه بر مبنای مصلحت است. وظیفه حکومت اسلامی در دو حوزه مسائل داخلی و خارجی تقسیم می‌شود، و در هر دو حوزه از اهم وظایف حکومت تأمین مصالح عمومی، اجرای عدالت اجتماع، جلوگیری از تجاوز به حریم خصوصی و عمومی فرد و جامعه به وسیله ای متجاوزین داخلی و خارجی است. براساس موازین شرعی و قانونی آزادی افراد در بعد فردی، اجتماعی، سیاسی و ... از اهم مصالح عمومی جامعه است که تأمین، حراست و دفاع از آن وظایف ذاتی حکومت است.

#### ۱- تأمین آزادی

در تعریف رایج در فقه سیاسی اسلام «حکومت» نظامی است که تحت آن یک کشور یا یک اجتماع اداره می‌شوند. به بیان دیگر «حکومت» فرایند اعمال سیاست‌ها و تصمیمات از سوی مقامات رسمی در دستگاه سیاسی و یا اشاره به مجموعه مقامات رسمی مسئول برای اتخاذ تصمیمات سیاسی لازم الاجراست. از نظر ساختار «حکومت» به سه بخش، قانونگذاری، اجرا و قضاوت تقسیم می‌شود، و در انجام وظایف حکومت

در هر سه بخش تأمین و دفاع از آزادی های مشروع و قانونی جزو وظایف هر سه قوه است. چنانکه اصل ۵۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصریح نموده است: قوای حاکم در جمهور اسلامی ایران عبارتند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضاییه که زیر نظر ولایت مطلقه امر و امامت امت بر طبق اصول آینده این قانون اعمال می گردند. این قوا مستقل از یکدیگرند.

#### ۱-۱: قانونگذاری

«قانون» به معنی دستورها و مقررات و احکامی است که از طرف دولت و مجلس قانونگذار برای حفظ انتظامات و اداره کردن امور جامعه وضع می شود. (عمید/ فرهنگ عمید/ ۷۳۷) بنابراین قانون مجموعه مقررات و احکامی است که در یک جامعه برای حفظ نظم و جلوگیری از هرج و مرج وضع شده و اجرا می گردد. انسان مدنی الطبع و اجتماعی است و در زندگی اجتماعی «قانون» شرط لازم و ضروری برای دستیابی به اهداف مطلوب انسانی است. حکومت اسلامی دارای اختیارات وسیع است که می تواند با رعایت مصالح جامعه حتی خارج از مقررات تصریح شده در شریعت قانون وضع کند البته در صورتی که مخالف با قواعد ثابت و لایتنیر شرعی نباشد، امام خمینی خطاب به نمایندگان مجلس می گوید: «و از همه نمایندگان خواستارم که با کمال حسن نیت و برادری با هم مجلسان خود رفتار و همه کوشا باشند که قوانین، خدای نخواستار از اسلام منحرف نباشد و همه به اسلام و احکام آسمانی آن وفادار باشید تا به سعادت دنیا و آخرت نائل آید.» ( وصیتنامه سیاسی الهی، ص ۱۸، و صحیفه نور، ج ۲۱ )

در حکومت اسلامی قوه مقننه که با انتخاب آزاد عموم مردم تشکیل می گردد( اصل ۶۲ قانون اساسی) عهده دار وضع قوانین مطابق معیار های شرعی است که تأمین کننده مصلحت عموم جامعه باشد، در این مورد اصل ۷۱ قانون اساسی می گوید: « مجلس شورای اسلامی در عموم مسائل در حدود مقرر در قانون اساسی می تواند قانون وضع کند.» و اصل ۷۲ مقرر نموده است: « مجلس شورای اسلامی نمی تواند قوانینی وضع کند که با اصول و احکام مذهب رسمی کشور یا قانون اساسی مغایرت داشته باشد. تشخیص این امر به ترتیبی که در اصل نود و ششم آمده بر عهده شورای نگهبان است.»

از مجموع شرح وظایف و اهدافی که برای مجلس شورای اسلامی بیان شد استفاده می شود که:

۱- قوه مقننه در حکومت اسلامی به عنوان نهاد قانونگذار یک ضرورت بنیادی برای نظام مند نمودن احکام و ضوابط شرعی و ایجاد ساختارهای قانونی برای تحقق عدالت اجتماعی و اهداف حکومت اسلامی است.

۲- قوه مقننه موظف است قوانینی را وضع کند که منطبق با شرع و عقل، محقق کننده عدالت اجتماعی، تأمین مصالح فرد و جامعه باشد.

۳- اصل آزادی هم در انتخاب نمایندگان مجلس و هم در طرح و بررسی قوانین مطرح شده در مجلس و هم در بیان نظریات نمایندگان حاکم است.

۴- مجلس قانونگذار به هیچ بهانه ای نمی تواند برای مردم ایجاد محدودیت کند مگر در موارد خاص با مدت زمان معین. معنای این مطلب این است که تکلیف قوه مقننه سامان بخشی به نظم عمومی و تأمین آزادی های مشروع افراد در قالب وضع قوانین خرد مندانه است.

#### ۱-۲: اجرای قوانین

رکن دوم حکومت نهادی است که عهده دار اجرای قوانین وضع شده در قوه مقننه است، در یک جامعه وضع قانون به تنهایی نمی تواند سبب تحقق آرمانهای یک ملت باشد، بلکه قانون نیازمند به اجرا می باشد، مرحوم امام خمینی در مورد قوه مجریه و اینکه آیا لازم است گروهی به عنوان حاکم مدیریت جامعه را به عهده بگیرند؟ می گوید: «مجموعه قانون برای اصلاح جامعه کافی نیست. برای این که قانون مایه اصلاح و سعادت بشر شود، به قوه اجرائیه و مجری احتیاج دارد. به همین جهت، خداوند متعال در کنار فرستادن یک مجموعه قانون، یعنی احکام شرع، یک حکومت و دستگاه اجرا و اداره مستقر کرده است. رسول اکرم (ص) در رأس تشکیلات اجرایی و اداری جامعه مسلمانان قرار داشت. علاوه بر ابلاغ وحی و بیان و تفسیر عقاید و احکام و نظامات اسلام، به اجرای احکام و برقراری نظامات اسلام همت گماشته بود تا دولت اسلام را به وجود آورد. در آن زمان، مثلاً به بیان قانون جزا اکتفا نمی کرد، بلکه در ضمن به اجرای آن می پرداخت: دست می برید، حد می زد؛ و رجم می کرد. پس از رسول اکرم (ص) خلیفه همین وظیفه و مقام را دارد. رسول اکرم (ص) که خلیفه تعیین کرد فقط برای بیان عقاید و احکام نبود؛ بلکه هم چنین برای اجرای احکام و تنفیذ قوانین بود. وظیفه اجرای احکام و برقراری نظامات اسلام بود که تعیین خلیفه را تا حدی مهم گردانیده بود که بدون آن پیغمبر اکرم (ص) ما بلغ رسالت خویشتن را به اتمام نمی رسانید. زیرا مسلمانان پس از رسول اکرم (ص) نیز به کسی احتیاج داشتند که اجرای قوانین کند؛ نظامات اسلام را در جامعه برقرار گرداند تا سعادت دنیا و آخرتشان تأمین شود.

اصولاً قانون و نظامات اجتماعی مجری لازم دارد. در همه کشورهای عالم و همیشه این طور است که قانونگذاری به تنهایی فایده ندارد. قانونگذاری به تنهایی سعادت بشر را تأمین نمی کند. پس از تشریح

قانون بایستی قوه مجریه‌ای به وجود آید. قوه مجریه است که قوانین و احکام دادگاهها را اجرا می‌کند؛ و ثمره قوانین و احکام عادلانه دادگاهها را عاید مردم می‌سازد. به همین جهت، اسلام همان طور که قانونگذاری کرده، قوه مجریه هم قرار داده است. «ولی امر» متصدی قوه مجریه هم هست. (امام خمینی/ ولایت فقیه/ ۲۵)

در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است: «قوه مجریه به دلیل اهمیت ویژه‌ای که در رابطه با اجرای احکام و مقررات اسلامی به منظور رسیدن به روابط و مناسبات عادلانه حاکم بر جامعه دارد و همچنین ضرورتی که این مسئله حیاتی در زمینه‌سازی وصول به هدف نهایی حیات خواهد داشت بایستی راهگشای ایجاد جامعه اسلامی باشد. نتیجتاً محصور شدن در هر نوع نظام دست و پاگیر پیچیده که وصول به این هدف را کند و یا خدشه‌دار کند از دیدگاه اسلامی نفی خواهد شد. بدین جهت نظام بوروکراسی که زائیده و حاصل حاکمیت‌های طاغوتی است به شدت طرد خواهد شد تا نظام اجرایی با کارایی بیشتر و سرعت افزون‌تر در اجرای تعهدات اداری بوجود آید».

## ۲- دفاع از آزادی

دفاع از آزادی‌های مشروع و قانونی در یک جامعه یک فرایند چند مرحله‌ای است که شامل پیشگیری از شکل‌گیری و تهدید آزادی‌های مشروع، فرهنگ‌سازی جامعه برای درک درست و آگاهی‌آحاد جامعه از مفهوم آزادی، قلمرو آزادی و مبانی شرعی و قانونی آزادی و مرحله سوم برطرف‌سازی عوامل سلب آزادی‌های مشروع و قانونی پذیرفته شده یک جامعه است.

### ۲-۱: پیشگیری از آسیب‌ها

حقوق افراد از جمله حق آزادی همیشه در معرض خطرات و آسیب‌های متعدد و جدی مواجه بوده است، و آسیب‌های آزادی مجموعه از اقداماتی است که محدودیت‌های غیر قانونی و نابجا به افراد تحمیل می‌کنند، این آسیب‌ها ممکن است به خاطر وضع قوانین محدود کننده نامناسب باشد یا از طرف جریان‌های فکری، سیاسی، فرهنگی و... صورت پذیرد، در چنین صورتی دولت مکلف است که با اقدامات به موقع و به دور از ملاحظات و گرایش‌های خاص از وقوع آسیب به آزادی افراد جلوگیری نماید.

اصل نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی مقرر می‌دارد: در جمهوری اسلامی ایران، آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از یکدیگر تفکیک ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی، به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی

و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه‌ای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی‌های مشروع را، هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند.

همانگونه که روشن است بخش دوم اصل نهم تصریح دارد که به هیچ بهانه ای نمی توان آزادی های مشروع افراد را محدود نمود. برخی از راهکار های ممکن برای پیشگیری از وارد آمدن آسیب های آزادی که توسط دولت می تواند صورت پذیرد عبارتند از :

۱- نظارت و کنترل: عدم نظارت بر اجرای قوانین موضوعه و رها سازی بدون کنترل فعالیت های عمومی در جامعه سبب شکل گیری هسته های محدود کننده و بازدارنده از برخورداری از آزادی های افراد در جامعه خواهد شد که نتیجه آن اخلال در نظم عمومی می گردد.

۲- شفافیت: همیشه فساد، بی عدالتی، رفتارهای سلب کننده آزادی و حقوق طبیعی افراد در سایه ابهام و اجمال در اجرای قوانین صورت می گیرد، زیرا فساد یک مسئله غیر قانونی و نامشروع است که درفضاهای ابهام آلود به وجود آمده و رشد می کنند و افراد فرصت طلب با استفاده از نقاط تاریک فساد را به صورت شبکه ای توسعه می دهند، اما اگر حکومت در همه بخش ها با حد اکثر شفافیت عمل کند زمینه های ایجاد فساد و سود جوئی ازبین خواهد رفت.

۳- اقدامات اصلاحی: اقدامات اصلاحی به معنی برطرف کردن نقطه های کوری است که به خصوص در مسائل سیاسی و فرهنگی می توانند الزامات غیر واقعی را برافراد تحمیل کنند و عملاً افراد را در یک فضای بسته و محدود گرفتار نمایند، برداشت ها و تفسیرهای ناصواب و سلیقه ای از قانون و هنجارهای اجتماعی به عنوان مصادیقی از نقطه های کور همیشه از معضلات فراروی جامعه بوده است که رفع آنها نیازمند به اقدامات اصلاحی از طرف حکومت است .

۴- مشارکت نهاد های فرهنگی و اجتماعی در تصمیم سازی های کلان: دولت های اقتدارگرای مطلق خود را عاملان منحصر به فرد تدبیر امور جامعه می دانند ولی پاسخگوی رفتار خودشان نیستند و در این جهت همه جریانات جامعه را ملزم به تبعیت از خود می دانند؛ در این حکومت ها هرامری که با سیاست های دستوری حکومت مخالف باشد به هیچ وجه پذیرفته نیست، و این نگاه ذاتاً سلب کننده آزادی است، لذا برای رفع این وضعیت مشارکت نهادهای فرهنگی و مدنی در تصمیم سازی های کلان جامعه یک ضرورت است تا توازن و تعادل منطقی در روابط حکومت و مردم برقرار گردد و مردم خود یکی از عوامل پیشگیری از آسیب های احتمالی در جامعه گردند.

۵- استفاده از ظرفیت‌های نخبگان و صاحبان ایده در تعیین سیاست‌های مهم جامعه: نخبگان هر جامعه ظرفیت‌های بی‌بدیل در تحقق آرمان‌های بلند آن جامعه است، حکمرانانی که نخواهند و یا نتوانند از این ظرفیت‌ها در همه عرصه‌ها استفاده کنند بی‌تردید با مشکلاتی مواجه خواهند شد؛ نگاه انحصاری که یا بامنی و یا علیه من، نیروهای فعال و اثرگذار زیادی را یا منزوی می‌کند و یا وادار به ترک فیزیکی جامعه و پناه بردن در جوامع آزاد خواهند کرد؛ در این صورت همه بخش‌ها آسیب جدی می‌بینند از جمله آزادی‌های افراد در سایه انحصارهای یک سویه و ناقص رفتار خواهند شد.

## ۲-۲: فرهنگ سازی

گروهی از جامعه‌شناسان عقیده دارند «فرهنگ» تفکر جمعی جامعه است که در پدیده‌ها و رفتارهای اجتماعی تجلی می‌یابد و تمامی امور اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، نظامی، مادی و معنوی را متأثر می‌سازد. (صاحبی/ مناسبات دین و فرهنگ در جامعه ایران/ ۲/ ۱۵۴).

یکی از مسایل و مشکلات هر جامعه وجود فرهنگ‌های غلط و نادرست در کنار بی‌فرهنگی گروهی دیگر است. مسئله فرهنگ سازی از دو جهت خود را بر جامعه و مسئولان آن تحمیل می‌کند و به عنوان یک مسئولیت و وظیفه مهم در حوزه جامعه پذیری خود را نشان می‌دهد. از جهتی فقدان فرهنگ استفاده از چیزی نیاز به فرهنگ سازی را توجیه می‌کند و از سوی دیگر وجود فرهنگی نامناسب، فرهنگ سازی مناسب را می‌طلبد.

این جاست که جامعه نیاز شدید به فرهنگ سازی مثبت و ارزشی را احساس می‌کند؛ زیرا فرهنگ سازی ارزشی نه تنها یک نیاز است بلکه یک مصلحت مهم برای تحقق آرمان‌های بلند انسان در زمین می‌باشد.

به گفته جامعه‌شناسان، فرهنگ سازی به این معناست که آیت‌ها و المان‌های فرهنگی که در جامعه نسبت به آنها توجه کمتری شده است را برای افراد دوباره یادآوری کنیم؛ چرا که فرهنگ، مفهومی است که از طریق اجتماعی شدن به افراد آموزش و انتقال داده می‌شود. پس از اینکه مفهوم فرهنگ به افراد جامعه آموزش و انتقال داده شد، در جامعه مکانیزمی به نام نظارت اجتماعی اعمال شکل می‌گیرد که وظیفه آن نظارت بر عملکرد همه افراد آن جامعه است، به این منظور که آنهایی که هنوز اجتماعی نشده‌اند و یا اجتماعی شدن آنها به طور کامل صورت نگرفته است، مورد توجه قرار گیرند و مفهوم فرهنگ سازی دوباره به آنها یادآوری شود.

در زمینه فرهنگ سازی دولت نقش بسیار موثر و گسترده ای را می تواند ایفا کند. برای مثال دولت با در نظر گرفتن نهادی به نام نهاد فرهنگ می تواند گام تاثیرگذاری به منظور فرهنگ سازی افراد در جامعه و رشد و بالندگی آنها بردارد. (مقاله/ فرهنگ سازی به چه معناست؟/ ویکی فقه/ اردیبهشت ۱۳۹۵)

### عرصه های فرهنگی

اول: یکی از عرصه های ضروری کاربرد فرهنگ عرصه تصمیم های کلان کشور است؛ یعنی فرهنگ به عنوان جهت دهنده به تصمیم های کلان کشور، در تصمیم های اقتصادی، سیاسی، مدیریتی و جامعه پذیری، نقش دارد.

دوم: عرصه دیگر کاربرد فرهنگ این است که «فرهنگ» به عنوان شکل دهنده مبانی قابل پذیرش به ذهن و رفتار عمومی جامعه است. حرکت جامعه، بر اساس فرهنگ آن جامعه است. اندیشیدن و تصمیم گیری جامعه، بر اساس فرهنگی است که بر ذهن آن حاکم است. دولت و دستگاه حکومت، نمی تواند از این واقعیت مهم، خود را کنار نگه دارد.

سوم: عرصه دیگر کاربرد فرهنگ احساس مسئولیت کارگزاران در مواجهه با عموم مردم است، یعنی اگر کارگزاران یک حکومت به لحاظ فرهنگی بپذیرند که در نسبت به مردم مکلف هستند و نه صاحب حق مطلق، این احساس وظیفه اگر به صورت فرهنگ در حکومت پذیرفته نشود، عوامل رده های مختلف حکومتی همیشه خود را طلبکار مردم احساس نموده و دیگران را ملزم می دانند که نسبت به مأمورین حکومتی احساس تکلیف داشته باشند اگر چه به قیمت سلب آزادی های مشروع و نادیده گرفتن حق مطالبه گری مردم باشد.

### ۲-۳: مانع زدایی

جامعه اسلامی در تمامی زمینه های روابط فردی و اجتماعی باید منطبق بر معیارها و مبانی توحیدی و وحیانی باشد، در این جهت در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است: «با توجه به ماهیت این نهضت بزرگ، قانون اساسی تضمین گر نفی هر گونه استبداد فکری و اجتماعی و انحصار اقتصادی می باشد و در خط گسستن از سیستم استبدادی و سپردن سرنوشت مردم به دست خودشان تلاش می کند. (و یضع عنهم إصرهم والأغلال التي كانت عليهم) در ایجاد نهادها و بنیادهای سیاسی که خود پایه تشکیل جامعه است بر اساس تلقی مکتبی، صالحان عهده دار حکومت و اداره مملکت می گردند. (ان الأرض يرثها عبادي الصالحون) و قانون گذاری که مبین ضابطه های مدیریت اجتماعی است بر مدار قرآن و سنت، جریان

می یابد. بنابراین نظارت دقیق و جدی از ناحیه اسلام شناسان عادل و پرهیزگار و متعهد (فقه های عادل) امری محتوم و ضروری است و چون هدف از حکومت، رشد دادن انسان در حرکت به سوی نظام الهی است (و إلى الله المصیر) تا زمینه بروز و شکوفایی استعدادها به منظور تجلی ابعاد خداگونگی انسان فراهم آید (تخلّقوا بأخلاق الله) و این جز در گرو مشارکت فعال و گسترده تمامی عناصر اجتماع در روند تحول جامعه نمی تواند باشد».

در جوامعی که براساس ارزشهای الهی شکل می گیرد، انبیای الهی نماد خیرند و هدف آنها هدایت بشر به سمت سعادت و کمال است اما نیروهای شر جامعه همواره از موانع رسالت انبیا بوده است، خداوند در قرآن سه تیپ از آدم های منفی را معرفی می کند که در مقابل انبیاء الهی قرار داشته اند .

۱-۳-۲: ملأ

ملأ : مظهر ثروت و اشرافیت

لغویین کلمه «ملأ» را جماعتی از مردم که دارای یک رأی و نظر واحد هستند. (راغب/مفردات/۷۷۶) بزرگان و رأسای قوم هستند، (جزری/النهایه/۴/۳۵۱) جماعت اشراف است که هیبت آنها سینه ها را پر می کند. عاملی/الاصطلاحات الفقهیه فی الرسائل العملیه/ ۲۰۷). مفسران «ملأ» را بزرگان قوم دانسته اند که خود را در ضدیت با انبیای الهی می دیدند (فخر رازی/ التفسیر الکبیر/ ۱۴/ ۲۹۶). بنابراین اشراف و کسانی که به نوعی خود را به خاطر جایگاه اجتماعی در مرتبه بالا می دانند و از موقعیت خودشان هم حکومت را هماهنگ با اشرافی گری خودشان می نمایند وهم مردم را در جهت تأمین منافع مادی و تثبیت موقعیت اجتماعی خودشان به راحتی قربانی می کنند، این تیپ از آدم ها که در اکثر جوامع دنیا به عناوین مختلف وجود دارند به دلیل وابستگی شدیدی که به موقعیت ها و مناصب اعتباری دنیایی دارند همیشه از جمله موانع مهم تحقق آرمان ها و خواسته های مشروع توده های مردم بوده اند. مرحوم استاد مطهری می گوید: «یکی از گرفتاری های زندگی بشر در طول تاریخ همین بوده است که افرادی نیرومند و قدرتمند از قدرت خودشان سوء استفاده کرده و افراد دیگری را در خدمت خودشان گرفته اند، آنها را به منزله برده خودشان قرار داده اند و میوه وجود آنان را که باید متعلق به خودشان باشد به نفع خود چیده اند.

می دانید کلمه «استثمار» یعنی چه؟ یعنی چیدن میوه دیگری. هرکسی وجودش مثل یک درخت پرمیوه است. میوه درخت وجود هرکسی یعنی محصول کار و فکرش، محصول فعالیتش، محصول ارزشش باید مال خودش باشد. وقتی که افرادی کاری می کنند که محصول درخت وجود دیگران را به خودشان تعلق

می دهند و میوه های وجود آنها را می چینند، می گویند این فرد دیگر را استثمار کرده است. یکی از گرفتاری های بشر در طول تاریخش همین بوده است که فردی دیگر را، قومی قوم دیگر را استثمار می کرده، به بردگی خود می کشیده است یا حد اقل برای اینکه میدان برای خودش باز باشد میدان را از او می گرفته است؛ او را استثمار نمی کرده، ولی میدان را از او می گرفته است.» (مطهری/ مجموعه آثار/ ۴۳۸/۲۳) در حکومتی که بر مبنای معارف اسلامی شکل گرفته باشد همه چیز به عنوان وسیله برای تکریم انسان است و نهایت کرامت انسان در عدم وابستگی به مواهب دنیایی و تلاش برای تعالی حقیقی قرار دارد، در این حالت اشرافی گری نقطه مقابل حقوق برابر بین همه اقشار جامعه است و هیچکس به خاطر دارا بودن موقعیت خاص اجتماعی از امتیازات بالاتر نسبت به سایر مردم برخوردار نیست. در این باره اصل ۱۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصریح می کند: «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود.» و اصل ۲۰ نیز می گوید: «همه افراد ملت اعم از زن و مرد، یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند.»

۲-۳-۲: مترف

مترف: مظهر غرایز و شهوات سرکش .

واژه «ترف» و «ترفه» به معنی خوشگذرانی و تن آسایی و فراوانی نعمت و آسایش است. باب افعال آن «اتراف» به معنای نعمت و آسایش در زندگی کردن، و خوش گذراندن، اصرار در ظلم و نعمت است، و مترف «اسم مفعول» آن، یعنی واگذاشته شده به خود، که هرچه بخواهد بکند، یا افسار گسیخته ای که هرچه دلخواه وی باشد، انجام دهد و مانعی در راه عیش و خوشی خود نبیند، و نیز به معنی ناز و نعمت پرورده و ستمکار و خوشگذران است.» (ابن منظور/ لسان العرب/ ۹/ ۱۷)

قرآن کریم این کلمه را درباره کسانی که به کار برده که بر اثر داشتن ثروت زیاد، در لذتها و خوشگذرانیها فرو رفته اند، و به جای شکرگذاری و استفاده صحیح از نعمتها، راه سرکشی و ناسپاسی نعمت را پیشه کرده اند. قرآن کریم، مترفان را در صف اول مخالفان انبیاء قرار می دهد که به سبب ثروت بی حساب، خود را برتر از انبیاء می پنداشتند. (زخرف/ ۲۳) بنا بر این «مترف» بمعنی ثروتمند است، یعنی کسیکه به او نعمت زیاد داده شده و آن نعمت در صورت عدم ایمان سبب طغیان و سرکشی است (علق/ ۶) و از موارد استعمال آن در قرآن مجید به دست می آید که ثروت مند و قدرت مند سرکش مراد است.

«مترف» یا وابستگی افراد به ثروت باعث سبب شکل گیری جریانات سود محور در جامعه می شود که با هرامری که با منافع و خواسته های دنیای افراد سود جو در تضاد باشد قابل قبول نخواهد بود، حال اگر «مترفین» در جامعه قدرت نفوذ و تصمیم سازی داشته باشند به طور طبیعی هر حقی را که با منافع آنها تعارض کند از بین خواهند برد اگرچه حق و مطابق عدالت باشد. قرآن کریم روحیه ثروت طلبی را به شکل «تعلق»، وابستگی، اسارت، رضایت دادن و قناعت کردن به این امور گذرا و ناپایدار محکوم می کند. (انفال/ ۶۷) ریشه و اساس صلاح و فساد انسان، در همین کلمه «یرید» نهفته است. آن که از اعماق جان دنیا را «می خواهد» و از درون، تسلیم نفس خود می شود، او با اراده، دنیا را اصل و هدف می بیند و از وظایف خود چشم می پوشد. انجام مفاسدی چون: کفر، عصیان، نفاق، فسق، بخل، کنز مال، ستم به مردم و غصب حقوق آنان، همگی از این طرز تلقی از دنیا ریشه می گیرد. چنین دنیایی، زمینه روحی و روانی را فراهم می آورد که به یاد دیگران نباشد و تنها به کامجویی خود بیندیشد.

۳-۲: طاغوت

مظهر قدرت سیاسی.

کلمه «طاغوت، ج طَوَاغٍ و طَوَاغِیت» عبارت از هر کسی است که بر دیگری تعدی کند، هر معبودی به جز خدا، هر اندیشه بد و گمراه کننده، شیطان، گمراه کننده. (بستانی/ فرهنگ ابجدی / ۵۷۴)، این کلمه هشت بار در قرآن کریم آمده و مراد از آن خدایان دروغین و مردمان متجاوز و طاغی است. (نسا / ۷۶)

در قرآن کریم، طاغوت پرستان بدتر از فاسقان اهل کتاب، و حتی بدترین و گمراه ترین انسان ها و ملعون و مغضوب خداوند، معرفی شده اند و رزمندگان در راه خدا در مقابل جنگ کنندگان در راه طاغوت قرار گرفته اند.

از تعدد معانی و کاربردهای متفاوت واژه طاغوت معلوم می شود که این لفظ معنایی عام دارد که بر مصادیق مختلفی صدق می کند، از این رو مفسران در معنای آن گفته اند که طاغوت به هر طغیان گر و متجاوز از حدود اطلاق می شود، مثل انسان های گمراه کننده مردم، و همه کسانی که بدون رضایت خدا فرمانبری می شوند (راغب / ۳۰۵) «طاغوت» یا قدرت طلبی یکی از موانع مهم تحقق عدالت اجتماعی است، تجربه حاکمیت های سلطه طلب در جوامع اسلامی نشان داده است که حاکمان قدرت گرا به راحتی حاضر می شوند تا منافع جامعه را قربانی نمایند تا به قدرت برسند و یا از قدرت موجود حراست کنند.

نتیجه

وظیفه حکومت در انجام وظایف ذاتی خودش درسه بخش قانونگذاری، اجرا و داوری باید منطبق بر موازین و ملاکهای شرعی و قانونی باید زمینه سازی نموده و مانع زدایی نماید تا افراد جامعه ضمن برخورداری از آزادی های فردی به مشارکت سیاسی در تعیین سرنوشت خودشان آزادانه سهیم باشند. در حکومت اسلامی اجرای عدالت اجتماعی یک اصل است، زمینه سازی برای برخورداری همه اقشار جامعه از فرصت های اقتصادی، رفاه اجتماعی، برخورداری از آزادی های مشروع و قانونی از مهم ترین زمینه های اجرای عدالت اجتماعی خواهد بود، اما توزیع عادلانه ثروت، توجه و اهتمام به ارزشهای حاکم و مورد قبول عامه مردم، دفاع از آزادی های فردی، اجتماعی و سیاسی همیشه با منافع باند های مافیای اقتصادی، افراد زیاده خواه و فرصت طلب در تضاد خواهد بود، رشد جریانات فساد آور در عرصه مختلف زیست جمعی دارای زمینه های فراوان سیاسی، اجتماعی، سوء مدیریت و ... می باشد، در چنین ملاحظاتی فاصله طبقاتی عمیق می گردد و افراد با نفوذ در بدنه حاکمیت از مزایای و منافع بیشتری برخوردار خواهند شد. تسلط اقشار بالا دست جامعه در مناصب کلیدی از انجام تکالیف و الزامات قانونی با روش های متنوع سرپیچی نموده و هر رفتاری را که با منافع آنها در تضاد باشد محدود خواهند کرد، در چنین حالتی آزادی های مدنی افراد در روابط اجتماعی به شدت محدود خواهد شد، در حکومت اسلامی از بین بردن زمینه های فساد و مبارزه با مفسدان و عوامل اخلاکگر در اجرای عدالت یک اصل بنیادین و تکلیف است، چون مقتضای عدالت اجتماعی برخورداری افراد از حقوق قانونی است که آزادی از جمله مهم ترین آنها است. در بسیاری از جوامع، آزادی ها قربانی امنیت، نظم یا منافع سیاسی می شوند. حکومت ها گاه با توجیه حفظ ثبات، محدودیت هایی اعمال می کنند که به تدریج فضای عمومی را خفه می کند. راهکار مقابله با این روند، تقویت نهادهای مدنی، شفاف سازی عملکرد دولت، آموزش حقوق شهروندی و مشارکت فعال مردم در فرآیندهای تصمیم گیری است.

#### نتیجه گیری

حکومت نه مالک آزادی ها، بلکه نگهبان آنهاست. مشروعیت هر نظام سیاسی در گرو میزان پابندی اش به آزادی های انسانی است. تأمین و صیانت از آزادی های فردی و اجتماعی، نه یک امتیاز حکومتی، بلکه یک وظیفه اخلاقی، قانونی و تاریخی است که بی توجهی به آن، جامعه را به سوی استبداد و رکود سوق می شود.

قرآن

نهج البلاغه

۱. ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر - قم، چاپ: چهارم، ۱۳۶۷ش.
۲. ابن منظور، ابو الفضل، جمال الدین، محمد بن مکرم، لسان العرب، ۱۵ جلد، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر، بیروت - لبنان، سوم، ۱۴۱۴ هـ ق
۳. اربلاستر، آنتونی، لبرالسم غرب، ظهور و سقوط، ترجمه: عباس فخر، چاپ سوم ۱۳۷۷ش
۴. انصاری دزفولی، مرتضی بن محمد امین، کتاب المکاسب (للشیخ الأنصاری، ط - القدیمة)، ۳ جلد، منشورات دار الذخائر، قم - ایران، اول، ۱۴۱۱ هـ ق
۵. پایگاه اطلاع رسانی حوزه، برگرفته از مقاله «فرهنگ»، تاریخ بازایی ۱۳۹۶/۰۳/۱۸.
۶. جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، سید محمود هاشمی، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، ۳ جلد، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۲۶ هـ ق
۷. خمینی، سید روح الله موسوی، ولایت فقیه (امام خمینی)، در یک جلد، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره، تهران - ایران، دوازدهم، ۱۴۲۳ هـ ق
۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، در یک جلد، دار العلم - الدار الشامیة، لبنان - سوریه، اول، ۱۴۱۲ هـ ق
۹. زارع‌پور، محمد، حدیث ولایت، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۷۵.
۱۰. شوشتری، سید محمد حسن مرعشی، دیدگاه‌های نو در حقوق، دو جلد، نشر میزان، تهران - ایران، دوم، ۱۴۲۷ هـ ق
۱۱. عاملی، یاسین عیسی، الاصطلاحات الفقهیة فی الرسائل العملية، در یک جلد، دار البلاغة للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت - لبنان، اول، ۱۴۱۳ هـ ق
۱۲. فوادافرام بستانی، نشراسلامی، مترجم: رضا مهیار، چاپ دوم، تهران ۱۳۷۶ش
۱۳. قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، ۷ جلد، دار الکتب الإسلامیة، تهران - ایران، ششم، ۱۴۱۲ هـ ق
۱۴. مصباح یزدی، محمدتقی، فلسفه اخلاق، تحقیق و نگارش احمدحسین شریفی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ سوم، ۱۳۹۴ش.

۱۵. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار استاد شهید مطهری، صدرا، تهران- ایران، هفتم / ۱۳۸۴ ه. ش
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، قم، امام علی بن ابیطالب (ع)، ۱۳۸۷ ش.
۱۷. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ۲۸ جلد، دار الکتب الإسلامیة - ایران - تهران، چاپ: ۱۰، ۱۳۷۱ ه. ش.
۱۸. منتظری نجفآبادی، حسین علی - مترجم: صلواتی، محمود و شکوری، ابو ال، مبانی فقهی حکومت اسلامی، ۸ جلد، مؤسسه کیهان، قم - ایران، اول، ۱۴۰۹ ه. ق
۱۹. موسوی بجنوردی، سید محمود، «بررسی نقش اخلاق در فقه و حقوق (۱) و (۲)»، بازتاب اندیشه، ش ۸۳، ۱۳۸۵ ش.
۲۰. واسطی، زبیدی، حنفی، محب الدین، سید محمد مرتضی حسینی، تاج العروس من جواهر القاموس، ۲۰ جلد، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع، بیروت - لبنان، اول، ۱۴۱۴ ه. ق